

نمونه آراء دادگاه‌های انتظامی

احکام صادره

شماره دادنامه: ۱۹۰۶۲

تاریخ صدور رأی: ۸۳/۱۱/۲۸

شماره کلاس دادسرا: ۲۳۰/۸۳

مرجع رسیدگی: شعبه دوم

شماره کلاس دادگاه: ۱۲۸/۸۳

گردشکار: پس از وصول شکایت به دادسرای انتظامی و ثبت آن به کلاس ۲۳۰/۸۳ نظر به اینکه شکایت مزبور منجر به صدور قرار منع پیگرد توسط دادسرا گردیده بود، با اعتراض شاکی نسبت به قرار صادره پرونده جهت رسیدگی به اعتراض نامبرده به این شعبه ارجاع که در وقت رسیدگی فوق ختم دادرسی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

در این پرونده خانم..... و آقای..... ظرف مهلت مقرر نسبت به قرار منع تعقیب صادره درخصوص شکایت خویش علیه آقای..... وکیل پایه یک دادگستری تجدیدنظرخواهی کرده و اعلام داشته‌اند اقدامات وکیل مشتکی عنه در زمینه‌سازی برای عزل وکیل انتخابی خانم.....، ورود به منزل مسکونی و بازرسی از منزل نامبرده و بردن بعضی از اسناد و مدارک و صدور دستور به کارگر جهت ممانعت از ورود مشارالیه به منزل خویش و اقدامات بعمل آمده در تفویض وکالت از سوی وی (خانم.....) به فرد معرفی شده از سوی وکیل مشتکی عنه و اخذ اقرار رسمی از موکلین خود برای اعتبار قرارداد عادی

مورخ ۱۳۸۲/۳/۳ تماماً تخلف انتظامی می‌باشد و اعلام داشته‌اند تخلفات مذکور مورد رسیدگی قرار نگرفته و به دلایل و اسناد ارایه شده توجهی به عمل نیامده است. نظر به لزوم اخذ توضیح از طرفین پرونده وقت رسیدگی روز ۱۳۸۳/۱۱/۶ تعیین و در وقت مقرر طرفین پرونده حضور دارند. وکیل مشتکی عنه پس از استطلاع از مفاد لایحه اعتراضیه، در مقام پاسخ اظهار داشتند که عزل وکیل انتخابی ارتباطی به ایشان نداشته و ورود به منزل یک روز بعد از دستگیری احد از متهمان به نام خانم..... و در معیت مأمورین انتظامی انجام پذیرفته. در مورد باز نکردن درب منزل، دختران..... (موکلین) دستور داده‌اند و درخصوص تفویض وکالت، خانم..... شخصاً از زندان درخواست کرده‌اند و بعداً نیز قبل از ورود به دادگاه موافقت را جهت تفویض وکالت اعلام داشته‌اند و در مورد اعلام نشانی منزل شاکی به عنوان آدرس خویش هیچ گونه اطلاعی ندارد و گواهی مدیر اجرا مؤید نادرستی این ادعا می‌باشد و درخصوص اخذ اقرار از موکلین، توجه دادگاه را به آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله وکلا جلب کرده‌اند. خانم..... اظهارات وکیل مشتکی عنه را نادرست اعلام و اظهار کردند ممنوع‌الملاقات بوده‌اند و رییس دادگاه مربوطه طی نامه شماره ۱۱۸/۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مضبوط در پرونده بدین مضمون «خانم..... جهت یک نوبت ملاقات حضوری با نظارت مسؤول زندان با متهم معرفی می‌کردند. با توجه به اینکه مقرر گردیده متن دست‌نوشته‌ای توسط زندانی تنظیم و تحویل خانم..... گردد. ضمناً مقتضی است دستور فرمایند متهم برای روز سه‌شنبه ۱۳۸۳/۱۲/۲۶ جهت ادامه رسیدگی حاضر شود.» وی را در موضع اجبار قرار داده تا حسب تجویز و توصیه اعلام کند به شخص معرفی شده از سوی دادگاه در مورد اموالی که از آقای..... به او منتقل شده تفویض کند. و در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۶ به دادگاه اعزام و پس از تنظیم صورتجلسه تحت‌الحفظ و با دستبند، طی نامه شماره ۱۱۸/۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۶ به اتفاق آقایان..... و به محضر معرفی گردیده تا نسبت به تنظیم وکالت‌نامه در مورد کلیه اموال آقای..... به وی منتقل شده اقدام کند ولی با تمهید مقدماتی، وکالت‌نامه در مورد تمامی اموال وی تنظیم شده است.

با توجه به مراتب اولاً تقدیم نامه از سوی آقای..... وکیل مشتکی عنه در تاریخ ۸۲/۱۲/۲۷ به عنوان دادگاه به منظور اخذ اسناد و مدارک از نیروی انتظامی با تعیین

علت جهت ارایه به قیم آقای..... به شرح برگ ۲۹ پرونده که منجر به صدور دستور رییس شعبه ۱۰۷ دادگاه جزایی یزد مبنی بر تحویل مدارک مورد درخواست مشارالیه با اخذ رسید گردیده و نهایتاً وکیل مشتکی عنه ۲۳ قلم اسناد و مدارکی که تعدادی از آنها به شرح لیست ارایه شده در جلسه دادگاه مربوط به شکات بوده و بالاخص با عنایت به اینکه حکم حجر به دلالت برگ ۲۸ پرونده در تاریخ ۱۲/۱۲/۸۲ صادر شده و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی بوده است و علی‌الاصول قیم تا زمان قطعیت حکم حجر تعیین نمی‌گردد و سمت نامبرده نیز به وکالت از سوی قیم موضوعیت ندارد. ثانیاً نحوه ورود مشارالیه در لحظات پایانی به تنظیم صورتجلسه مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۲ شعبه ۱۰۷ دادگاه جزایی یزد و بلافاصله با اعلام اینکه آقای..... فرزند آقای..... مورد وثوق شکات است در دفترخانه حاضر و کلیه اموالی که به خانم..... است به نام وکالت بلاعزل به نام اینجانب زده شود (برگ ۳۱ پرونده) ثالثاً تنظیم وکالتنامه فراتر از حدود مورد دستور ریاست دادگاه علیرغم معرفی وکیل مشتکی عنه از سوی دادگاه به دفتر اسناد رسمی و حضور ایشان. رابعاً اظهارات مستخدم منزل مبنی بر دستور وکیل مشتکی عنه ممانعت از ورود ثانویه شاکیه به منزل خویش (برگ چهار پرونده). خامساً نحوه عمل وکیل مشتکی عنه نسبت به موکلین خویش در اخذ اقرار رسمی شماره ۱۲۹۹۲۳ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۳۰ دفتر اسناد رسمی شماره ۳۱ یزد (روز بازداشت احد از شکات) خانم..... به منظور اعتبار بخشیدن به قرارداد عادی مورخ ۸۲/۳/۳ (ارایه شده در جلسه دادگاه) تماماً دلالت بر انجام اعمال خلاف شأن وکالت از سوی آقای..... وکیل پایه یک دادگستری دارد بنابراین با نقض قرار منع تعقیب به استناد ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ناظر به بند ۴ ماده ۷۶ همان آیین نامه و با اعمال یک درجه تخفیف موضوع ماده ۸۳ آیین نامه مذکور به لحاظ فقد سابقه انتظامی، آقای..... وکیل پایه یک دادگستری به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می‌گردد.

شماره دادنامه: ۱۹۰۶۳

تاریخ صدور رأی: ۸۳/۱۱/۲۸

شماره کلاسسه دادرسی: ۵۱۰/۸۳

مرجع رسیدگی: شعبه پنجم

شماره کلاسسه دادگاه: ۲۹۷/۸۳

گردشکار: پس از وصول شکایت به دادرسی انتظامی و ثبت آن به کلاسسه ۵۱۰/۸۳ نظر به اینکه شکایت مزبور منجر به صدور قرار منع پیگرد توسط دادرسی‌گردیده بود، با اعتراض شاکی نسبت به قرار صادره پرونده جهت رسیدگی به اعتراض نامبرده به این شعبه ارجاع که در وقت رسیدگی فوق ختم دادرسی اعلام و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

درخصوص اعتراض آقای..... به قرار منع پیگرد ۸۳/۹/۲۲ دادرسی انتظامی نسبت به آقای..... اعتراض وی شامل چند مورد است: ۱- اینکه آقای..... کلمه آزاد در سربرگ و دنباله نام خود قید نکرده است. صرف نظر از اینکه این امر از موارد تخلفات مذکور در قوانین و مقررات مربوط به وکالت نمی‌باشد اصولاً ذکر پسوند نام خانوادگی وقتی ضرورت دارد که اسامی مشابه وجود داشته و موجب اشتباه دیگران گردد که این امر در مورد آقای..... مصداق ندارد و ذکر شماره پروانه وکالت کانونی که وکیل عضو آن است ضرورت قانونی و مقرراتی ندارد. ۲- شاکی انتظامی عنوان کرده که وکیل در دادخواست نشانی خود را..... خیابان..... تعیین کرده است که اقامتگاه و محل دفتر او می‌باشد، در این مورد نیز با توجه به اجازه‌ای که ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی به وکیل داده است این امر تخلف نبوده قابل تعقیب نمی‌باشد. ۳- موضوع دیگری که شاکی انتظامی مطرح کرده این است که وکیل مشتکی عنه در دادخواست با به کار بردن کلمات اذیت و آزار و بی‌جهت رعایت نزاکت را ننموده و به وی توهین کرده است صرف نظر از اینکه وکیل اعلام داشته این کلمات را به نقل قول از موکل که در جلسه دادگاه بیان کرده، آورده است، اصولاً کلمات مذکور عرفاً توهین و اهانت محسوب نگردیده و تخلفی احراز نمی‌شود. ۴- شاکی به کار بردن کلمات «عامی» و «امی» (به صورتی که در دادخواست

نوشته شده) را نیز توهین به خود می‌داند با ملاحظه جمله به کار رفته در دادخواست بدین نحو که: «... همه افراد حتی افراد عامی و امی را می‌دانند...» مفهوم جمله با به کار بردن حتی چینی است که وقتی افراد عام و امی این مسأله را می‌دانند خواننده که عامی و امی نیست به طریق اولی باید آن را بداند بنابراین کلمات عامی و امی با توجه به نحوه نگارش متوجه شخص شاکی نمی‌باشد و تخلفی در این مورد نیز صورت نگرفته است.

۵- شاکی انتظامی اعلام داشته که آقای..... در پرونده مورد اختلاف که مالی و مطالبه خسارات بوده تمبر غیرمالی و کمتر از میزان تعرفه باطل کرده است. در این مورد نیز نظر به اینکه تعیین و مطالبه هزینه دادرسی و تمبر مالیاتی براساس خواسته به عهده دفتر دادگاه و نهایتاً دادگاه می‌باشد و تا زمانی که این هزینه‌ها وفق مقررات پرداخت نگردیده و تمبر قانونی ابطال نگردد پرونده به جریان نخواهد افتاد، اصولاً دلیلی که مثبت این امر باشد که وکیل کمتر از میزان مقرر تمبر ابطال کرده در پرونده انتظامی وجود ندارد و ارایه نگردیده است. بنابه مراتب در تمامی موارد فوق بار د اعتراض و شکایت شاکی قرار منع پیگرد دادرسی تأیید می‌گردد.

اما درخصوص اینکه آقای..... در سربرگ‌های خود که دو نمونه آن در پرونده موجود است نشانی و اقامتگاه خود را ذکر نکرده‌اند و در لایحه دفاعیه تقدیمی به دادرسی نیز در این خصوص که از موارد شکایت شاکی بوده دفاع نکرده‌اند بلکه بیان داشته از نشانی وکیل در وکالتنامه قید شده و اخطاریه با توجه به آن نشانی برای وکیل ارسال گردد و نظر به اینکه به موجب ماده ۶۲ آیین‌نامه قانون وکالت تعیین و ذکر اقامتگاه وکیل در اوراق و سربرگ‌ها ضروری شناخته شده لذا قید نکردن اقامتگاه در سربرگ‌ها توسط آقای..... تخلف از نظامات قانون تلقی و ایشان به توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم گردید.

کلاس پرونده: ۵۷/۸۳

دادنامه شماره: ۱۳۸۳/۵/۴-۱۸۶

مرجع رسیدگی: شعبه دوم دادگاه عالی انتظامات قضات

هیأت دادرسان: آقایان کاظم صدیقی رییس و سید مهدی ادیب رضوی و سید احمد

مرتضوی مقدم اعضای اصلی دادگاه.

گردش کار:

آقای..... وکیل دادگستری بر اثر شکایت موکلش..... که به موجب رأی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به اتهام نگهداری تریاک به ۴ سال حبس و پرداخت مبلغ پنج میلیون و یکصد هزار تومان جریمه محکوم شده تحت تعقیب انتظامی قرار گرفته است. ماحصل قضیه چنین بوده: وکیل نامبرده در پرونده‌ای که هیچ گونه احتمال پیشرفت نداشته قبول وکالت کرده و دو فقره چک هر کدام به مبلغ ۷۵۰ هزار تومان (جمعاً یک میلیون و پانصد هزار تومان) بابت حق الوکاله گرفته و تنها تلاش وی محکومیت متهم دیگر پرونده بوده که چنین عملی خلاف شأن وکالت می باشد شعبه ۳ دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز با استناد به بند ۳ ماده ۸۱ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ناظر به مواد ۳۹ و ۷۶ همین قانون وکیل نامبرده را به جهت خروج از شأن وکالت و تخلف از سوگند به ممنوعیت از وکالت دادگستری به مدت ۶ ماه محکوم کرده است. محکوم علیه درخواست تجدیدنظر کرده شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات اعتراض معترض را وارد ندانسته لیکن مجازات وی را از شش ماه به سه ماه محرومیت از شغل وکالت تقلیل داده است محکوم علیه درخواست اعاده دادرسی کرده است هیأت تجدیدنظر انتظامی قضات موضوع را قابل طرح در هیأت ندانسته پرونده را به دادگاه عالی انتظامی قضات اعاده داده‌اند که به این شعبه ارجاع شده است. اینک شعبه ۲ دادگاه انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از بررسی اوراق پرونده و انجام شور به شرح ذیل اتخاذ تصمیم می نماید:

رأی دادگاه

درخصوص درخواست اعاده دادرسی آقای..... وکیل دادگستری از رأی شعبه ۳ دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز که در شعبه اول دادگاه عالی انتظامی

قضات مورد تأیید قرار گرفته و نامبرده را به سه ماه محرومیت از شغل وکالت محکوم کرده است با توجه به لوابیح وکیل مشتکی عنه که مشعر بر این است راهی برای نقض حکم صادره وجود نداشته معذانک از آقای..... قبول وکالت کرده و انگیزه خود را به کیفر رساندن خانم..... متهم دیگر پرونده اعلام کرده که چنین عملی خلاف شأن وکالت می باشد لذا درخواست اعاده دادرسی مشارالیه را غیرقابل پذیرش دانسته و به رد آنها اظهار نظر می کند.

کلاسه پرونده: ۹۸۵/۱۴

دادنامه شماره: ۱۳۸۲/۹/۲۷-۳۹۴

مرجع رسیدگی: شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات

هیأت دادرسان: آقایان حاج آقا هادی مروی رییس و محمداقبر شهرامی و محمد تقی

تدین مستشاران.

گردش کار:

خلاصه جریان پرونده: در تاریخ ۸۰/۱۱/۹ شکایتی علیه آقای..... وکیل دادگستری به کانون وکلای دادگستری مرکز تقدیم و ضمن آن توضیح داده که اینجانب آقای..... را به عنوان وکیل خود انتخاب کردم و مبلغی به عنوان حق الوکاله پرداخت کردم و در جریان کار احتیاج به مشورت از وکیل داشتم سعی کردم با ایشان تماس بگیرم موفق نشدم ناچاراً طی نامه مورخ ۸۰/۷/۱۹ که طی شماره ۹۵۹ مورخ ۸۰/۷/۲۱ در شعبه چهل دادگاه عمومی کرج ثبت شده آقای..... را از وکالت عزل کردم و طی تلگراف مورخ ۸۰/۷/۲۱ مراتب را به ایشان اطلاع دادم در حالی که آقای..... مدعی است تلگراف به دست وی نرسیده و پس از اطلاع عزل وکالت به ایشان گفتم حق الزحمه خود را در خصوص دادخواست و کارهای انجام شده بگیرد و نسبت به مازاد وجوه دریافتی اقدام نماید علاوه بر این که این کار را نکردند و با این که دو میلیون و پانصد هزار تومان گرفته

بودند چک دو میلیون تومانی که نزد ایشان بود بردند بانک و برگشت زدند با توجه به اقدام نامبرده تقاضای رسیدگی را دارم در تاریخ ۸۰/۱۱/۲۹ شکایت شاکی برای پاسخ‌گویی برای وکیل مشتکی عنه ارسال شد آقای... در تاریخ ۸۱/۱/۲۵ در پنج صفحه لایحه به شکایت شاکی انتظامی پاسخ داده و خلاصتاً اضافه کرده شکایه انتظامی به بهانه این‌که به بنده دسترسی نداشته اینجانب را از وکالت عزل کرده که این ادعای ایشان دروغ محض است و برای فرار از پرداخت حق‌الوکاله می‌باشد زیرا در خصوص ۳۳۰ هکتار زمین که بیش از شش میلیارد و ششصد میلیون تومان ارزش دارد مقدار ناچیزی به مبلغ چهار میلیون و پانصد هزار تومان حق‌الوکاله قرار بود بدهد که دو و نیم میلیون تومان با مشکلات و به دفعات وصول شد با مراجعات مکرر به منزل ایشان و چندین بار رفت و آمد به کرج و تقدیم دادخواست کار وکالتی را انجام دادم متأسفانه ۵ روز مانده به جلسه اینجانب را از وکالت عزل کرده در حالی‌که در تاریخ ۸۰/۷/۳۰ که وقت رسیدگی بوده پرونده آماده صدور حکم بوده است و برای این‌که بقیه حق‌الوکاله را نپردازد پس از عزل مطالبه چک دو میلیون تومانی را نموده است در صورتی که علاوه بر تنظیم وکالت‌نامه قرارداد دیگری به تاریخ ۸۰/۴/۶ تنظیم کردیم البته تنظیم این قرارداد با نشست در چند جلسه و با مذاکرات زیاد که اینجانب قبول نمی‌کردم با پافشاری ایشان وکالت را پذیرفتم آقای موکل از بنده می‌خواست با کارشناس و اداره زمین شهری رابطه غیرمستعارف برقرار کنم که اینجانب به ایشان عرض کردم بنده کار غیرقانونی انجام نمی‌دهم با زحمت و پشت‌کار اینجانب نامبرده ۳۳۰ هکتار زمین را به دست آورد و هم اکنون به صورت کارخانه درآمد با این همه زحمت نمی‌خواست جزیی حق‌الوکاله را پرداخت کند از عمل ایشان که برخلاف اصول قرارداد کار کرده گلایه دارم و با توجه به این‌که تخلفی نکردم تقاضای برائت را دارم که دادسرای کانون پس از ملاحظه لایحه تقدیمی وکیل مشتکی عنه در تاریخ ۸۱/۳/۱ معاون دادسرا دستور داده که به آقای... اعلام شود هر گونه قراردادی دارد ارائه دهد و اقداماتی را که در پرونده کرده و هم چنین آخرین تصمیم دادگاه تا زمانی‌که ایشان در پرونده وکالت داشته مشخص و روشن نماید که دفتر کانون مراتب را به مشتکی عنه اعلام کرده مأمور ابلاغ گزارش داده که آقای... از گرفتن دعوت‌نامه خودداری کرده در تاریخ ۸۱/۲/۸ معاون دادسرا انتظامی دستور داد با توجه

به استنکاف آقای... از شاکی انتظامی، قرارداد و سایر مدارک مورد نظر مطالبه شود نهایتاً در تاریخ ۸۰/۶/۱۰ شاکی انتظامی در دادسرای انتظامی حاضر شد اظهار داشت در خصوص سیصد هزار متر زمین را که هیأت موات اعلام کرده بود آقای... را وکیل گرفتم و وکالت نامه تنظیم کردیم و میزان حق الوکاله را در وکالت نامه طبق تعرفه نوشتیم و قرارداد بعدی دست آقای... است بنده چیزی ندارم از نامبرده سؤال شد چه مبلغی پرداخت کردید و جریان کار را توضیح دهید آقای... پاسخ داد آقای... که فرماندار لار بود با پدر خانم آشنا بودند نهایتاً با بنده و خانم آشنا و دوست شدیم و با توافق چهار و نیم میلیون تومان بابت حق الوکاله به توافق رسیدیم و یک میلیون تومان دیگر که قرار بود پس از صدور حکم غیرموات بودن به ایشان پرداخت شود با این که در متن چک قید شده پس از صدور حکم غیر موات قابل وصول باشد با این که ایشان را قبل از جلسه اول دادگاه عزل کردم چک را به بانک بردند و از بنده شکایت کردند که دادسرا پس از استماع توضیحات شاکی به یکی از کارآموزان مأموریت داده که با مراجعه به دادگاه مربوطه و مطالعه پرونده اقدامات آقای... را که انجام داده گزارش نماید آقای... کارآموز وکالت با مراجعه به دادگاه مربوطه در تاریخ ۸۱/۸/۷ در سه صفحه گزارش داده که آقای... به وکالت از آقای... جهت ابطال تصمیم هیأت هفت نفره سازمان زمین در پنج صفحه درخواست به انضمام سی فقره مدارک در تاریخ ۸۰/۴/۲۸ به دادگاه عمومی کرج تقدیم کرده برای ۸۰/۷/۳۰ تعیین وقت شده آقای... در تاریخ ۸۰/۷/۲۱ وکیل را عزل کرده آقای... از این عزل بی اطلاع بوده در جلسه ۸۰/۷/۳۰ در دادگاه حاضر شده متوجه عزل خود گردیده و لایحه ای به دادگاه داده که بهانه موکل به لحاظ عدم پرداخت حق الوکاله بوده در صورتی که بیش از بیست بار موکلش به منزل وی مراجعه کرده و مرتب در تماس بودند ولی در جلسه شخص موکل حاضر شد و که نهایتاً حکم به نفع آقای... صادر شد و به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد که دادسرا پس از ملاحظه گزارش کارآموز در تاریخ ۸۱/۸/۶ استماع توضیحات وکیل مشتکی عنه و ملاحظه قرارداد تنظیمی را ضروری دانسته آقای... در تاریخ ۸۱/۸/۱۴ لایحه فرستاده و فتوکپی قرارداد مورخ ۸۰/۴/۶ را نیز ارسال داشته که ملاحظه فتوکپی قرارداد مذکور طرفین توافق کردند مبلغ حق الوکاله چهار میلیون و پانصد هزار تومان که مبلغ دو میلیون طی چک شماره ۸۵۰۱۹۲ مورخ

۸۰/۹/۱ به آقای.... داده شده و در بند «د» قرارداد آمده وجه چک... بعد از حکم دادگاه مبنی بر موات بودن زمین مورد دادخواست قابل وصول خواهد بود که با توجه به فتوایی دادنامه شماره ۱۵۰۳ در تاریخ ۸۰/۱۱/۱۳ حکم به غیرموات بودن زمین مورد بحث صادر شده در حالی که آقای.... به شرح پرونده کلاسه ۸۱/۶۵۲/۸۱ شعبه ۳۱۳ دادگاه عمومی تهران در خصوص وصول وجه چک شماره ۸۵۰۱۹۲ مورخ ۸۰/۹/۱ شکایت کرده که آقای.... به شرح دادنامه شماره ۶۹۶ - ۸۱/۴/۲ صادر کننده چک به تحمل هشت ماه حبس و یک چهارم وجه چک به عنوان جزای نقدی محکوم شده و ضمناً آقای.... در تاریخ ۸۱/۸/۱۴ در دادسرا حاضر شد و توضیح داده فتوایی قرارداد مورد مطالبه تقدیم می‌گردد ضمناً اینجانب با زحمات زیاد پس از تقدیم دادخواست و تکمیل پرونده برای جلسه ۸۰/۷/۳۰ که در دادگاه حاضر شدم متوجه شدم موکل در تاریخ ۸۰/۷/۱۹ اینجانب را عزل کرده و با تشریح جریان کار و نحوه عمل موکل اضافه کرد بابت وکالت ۳۳۰ هکتار زمین حق الوکاله کمی مطالبه شد و در قرارداد متذکر شدیم اگر موکل وکیل را عزل کند حق الوکاله را بایستی پرداخت کند با توجه به قرارداد و اینکه پرونده آماده صدور رأی بوده نامبرده را اطلاع دادم حق الوکاله را پرداخت کند امتناع کرده ناچار اقدام به شکایت کردم و با تشریح مطالب در پنج صفحه خود را متخلف نمی‌داند دادسرا پس از استماع توضیحات وکیل در تاریخ ۸۱/۸/۱۴ خلاصتاً چنین اظهار نظر کرده... که با توجه به محتویات پرونده تخلفات زیر محرز است ۱ - برابر قرارداد مالی مورخ ۸۰/۴/۶ که تصویر آن پیوست پرونده است میزان حق الوکاله چهار و نیم میلیون تومان تعیین شد و مشتکی عنه در لایحه مورخ ۸۱/۱/۲۵ مساحت زمین موضوع دعوی را ۳۳۰ هکتار و با توجه به ارزش مالی زمین حق الوکاله ناچیز بوده و خواسته را غیر مالی اعلام و تمبر غیر مالی باطل کرده عملاً از مقررات ماده دو آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب سال ۷۸ عدول شده. ۲ - برابر قانون قرارداد وکالت معتبر است لیکن درج بعضی شروط در قرارداد که حقوق موکل را محدود نماید به نظر غیرمتعارف و محل تأمل است مشتکی عنه با استناد به ماده ۱۱ آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله در مقام توجیه این امر است که پرونده در جلسه رسیدگی مورخ ۸۰/۷/۳۰ معدصدور رأی بوده و عزل از وکالت اثری در استحقاق او برای وصول کل حق الوکاله نداشته است این در حالی است که اولاً شاکی قبل از جلسه رسیدگی طی

نامه شماره ۹۵۹ - ۸۰/۷/۲۱ شعبه دادگاه عمومی کرج وکیل را از وکالت عزل کرده و مراتب را به نشانی وی تلگراف کرده ثانیاً پرونده در جلسه ۸۰/۷/۳۰ اولین جلسه مشتکی عنه آگاهی خود را از مراتب عزل ناظر به این تاریخ می داند پرونده معدصودر حکم نبوده و در تاریخ ۸۰/۱۱/۱۲ طی شماره ۱۵۰۳ حکم صادر شده بنابراین مقررات ماده ۱۱ استنادی در خصوص مورد قابل انطباق نیست و به نظر می رسد درج شرط اخیر قرارداد مالی بیش از ایجاد استحقاق حقوق وکیل شائبه انگیز است. ۳ - استنکاف از دریافت نامه مورخ ۸۱/۳/۱۲ دادسرا به دلالت مندرجات پرونده. ۴ - با لحاظ مندرجات بندهای بالا آنچه توسط مشتکی عنه برای وصول چک دو میلیون تومان صورت گرفته است در شان وکیل نبوده و این اقدامات از طرف وکیل متعارف و قابل توجیه نیست در مجموع با انطباق مورد با قسمت اخیر بند یک ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانون استقلال و بند ۲ ماده ۷۸ برای نامبرده کیفر خواست صادر شد که پرونده جهت رسیدگی به دادگاه انتظامی وکلا ارسال شد و به شعبه پنجم دادگاه انتظامی ارجاع شد که شعبه مذکور رونوشت کیفر خواست را برای دفاع برای وکیل مشتکی عنه ارسال داشت نامبرده در پنج صفحه لایحه دفاعیه خلاصتاً توضیح داده با توجه به متن قرارداد و اقداماتی که برای انجام کار وکالتی شاکی انتظامی انجام شده بود و پرونده مطروحه آماده صدور رأی بوده اینجانب اقدام به وصول وجه چک دو میلیون تومانی کردم و سپس با مذاکراتی که با شاکی انتظامی داشتم در پرونده کلاسه ۸۱/۳۱۴/۱۰۶۵ از شکایت خود گذشت کردم دادگاه تجدیدنظر نیز پس از نقض رأی بدوی قرار موقوفی تعقیب شاکی انتظامی را صادر کرده و در خصوص اعلام استنکاف اخذ اخطاریه دادرسی انتظامی گزارش مأمور ابلاغ منطبق با واقع نیست زیرا چه لزومی داشت اخطاریه را اینجانب وصول ننمایم مأمور زمانی به دفتر آمده که اینجانب حضور نداشتم پس گزارش استنکاف از دریافت اخطاریه درست نیست و سپس با تشریح جریان دادرسی در دادگاه عمومی خود را مقصر ندانسته تقاضای رأی برائت را کرده است... با توجه به این که وکیل به موجب توافق منعقد با موکل تعهد داشته است که پس از صدور حکم قطعی نسبت به چک دو میلیون تومانی اقدام نماید علیرغم چنین تعهدی صریح و قبل از صدور حکم قطعی و پس از عزل از وکالت مبادرت به برگشت چک و طرح شکایت کیفری و محکومیت موکل به نظر این دادگاه خلاف سوگند بوده و با انطباق عمل با بند ۳ ماده ۸۱

ناظر به بند ۵ ماده ۷۶ آیین‌نامه فوق‌الذکر مشتکی عنه آقای... وکیل پایه یک دادگستری را به شش ماده ممنوعیت از وکالت محکوم می‌نماید و در خصوص تخلف دیگر مندرج در کیفرخواست مبنی بر امتناع از پذیرش نامه ارسالی از طرف دادرسی انتظامی کانون با توجه به مدافعات مشتکی عنه و دلایل پرونده رأی به برائت نامبرده صادر که پس از صدور این رأی و ابلاغ آن به آقای... نامبرده در مهلت قانونی نسبت به رأی صادره اعتراض کرده و با تشریح مطالب در شش صفحه لایحه دفاعیه خود را مقصر ندانسته و تقاضای رأی برائت را کرده است که کانون وکلا پس از ملاحظه لایحه اعتراضیه معترض ضمن رد مدافعات نامبرده تقاضای تأیید رأی صادره را نموده است بنا به مراتب و با توجه به محتویات پرونده و انجام مشاوره به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه

در خصوص اعتراض آقای... نسبت به دادنامه شماره ۲۳۹۹۲ شعبه پنجم دادگاه انتظامی موضوع نامه شماره ۱۴۳ - ج مورخ ۸۲/۱/۲۱ کانون وکلای مرکز با توجه به محتویات پرونده و رسیدگی‌های انجام شده و این که وکیل مرقوم برخلاف متن قرارداد مورخ ۸۰/۴/۶ و قبل از صدور حکم مورخ ۸۰/۱۱/۱۳ دادگاه عمومی اقدام به وصول بقیه حق‌الوکاله نموده وارد نیست و اما از آنجایی که دادرسی انتظامی کانون در خصوص تخلف انتسابی به لحاظ احراز اقدامات خلاف شئون وکالت به استناد بند یک ماده ۸۰ تقاضای تعقیب نامبرده را کرده و دادگاه بدون استناد به ماده ۶۸ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مجازات را تشدید کرده و با رعایت بند سه ماده ۸۱ نامبرده را به ۶ ماه ممنوعیت از وکالت محکوم نموده با توجه به متن کیفرخواست و انطباق مورد با بند یک ماده ۸۰ و نظر به این که مشارالیه در طول مدت بیست سال وکالت مرتکب هیچ‌گونه تخلفی نشده و نظر به مجموع اوراق پرونده و نحوه و میزان کاری را که وکیل برای موکلش انجام داده نامبرده را مستحق تخفیف دانسته و با اختیار حاصله از ماده ۸۳ آیین‌نامه مذکور ضمن تقلیل مجازات از ۶ ماه ممنوعیت از وکالت به توییح با درج در روزنامه رسمی و مجله محکوم می‌نمایند.

اقلیت: با نظر کانون وکلای مرکز موافقم - مروی

کانون وکلای دادگستری استان قزوین - زنجان

به تاریخ دهم اردیبهشت ماه سال هشتاد و سه، در وقت مقرر دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری های قزوین و زنجان به تصدی امضاکنندگان زیر تشکیل است. پرونده تخلف آقای..... زیر نظر قرار دارد با بررسی پرونده پایان رسیدگی را اعلام به شرح زیر رأی می دهد:

رأی دادگاه: تخلفات منتسب به آقای..... کارآموز وکالت عدم اقدام به وظایف وکالتی - فاش کردن اسرار موکل و تمرکز فعالیت های وکالتی در غیرمحل مجاز می باشد. در مورد عدم انجام وظایف وکالت چون تفویض وکالت به ایشان از ناحیه موکل برای مرحله تجدیدنظر بوده و نامبرده در زمان اخذ وکالت به کیفیت متعکس در پرونده از انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی بی اطلاع بوده و در چنین وضعیتی طبعاً نمی توانسته است در جهت تجدیدنظرخواهی از حکم محکومیت موکل خود اقدام مؤثری به عمل آورده و بعداً نیز در دادسرای انتظامی کانون قزوین بخشی از حق الوکاله دریافتی را مسترد کرده است احراز تخلف نمی گردد و رأی بر برائت او صادر می شود. در مورد فاش کردن اسرار موکله نظر به اینکه آقای کارآموز مورد بحث در مقام دفاع از خود به برخی از سوابق وی اشاره کرده و تشریح موارد مزبور برای کانون را نمی توان بر ملا کردن اسرار موکل دانست خصوصاً اینکه موکل ایشان به موجب احکام قطعی دادگاه های صالح پیوست پرونده به ده سال حبس تعزیری به جرم ترغیب و تشویق فحشا و شش ماه حبس تعزیری به جهت رشوه به مأموران دولت محکومیت یافته است و چنین احکامی در صورت ضرورت قابلیت انتشار برای آگاهی جامعه را دارد و با این کیفیت دیگر نمی توان سوابق بانوی مزبور را جزو «اسرار موکل» تلقی کرد، وقوع این تخلف نیز منتفی است و حکم برائت وی از این لحاظ نیز صادر می شود و لکن در مورد اینکه محل کارآموزی آقای..... شهرستان زنجان و وکیل سرپرست آقای..... بوده و ایشان نشانی خود را در وکالتنامه تهران..... قید کرده و همین نشانی را نیز در کارت شناسایی خود نوشته است تخلف ایشان از ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری محرز است به استناد ماده مرقوم آقای..... دارنده پروانه کارآموزی شماره..... صادره از کانون قزوین - زنجان را به توبیخ با درج در روزنامه رسمی و مجله کانون محکوم می کند. موارد برائت از ناحیه ریاست محترم کانون قابل تجدیدنظرخواهی است.